

ارزیابی علل شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی با محوریت پدیده مهاجرت در بافت‌های فرودست (نمونه موردی: شهر سنندج)

محمد رسولی

دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سید علی نوری^۱

استادیار گروه معماری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

حسین ذبیحی

دانشیار گروه شهرسازی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

چکیده

امروزه با افزایش روزافزون جمعیت، نرخ رشد بالای فقر و نیز سقوط طبقات اقتصادی خانوارها به دلایل اقتصادی، پدیده فقر شهری گسترش یافته که با پیامدهایی همچون کمبود مسکن و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در متن شهر، کیفیت پایینی از زندگی انسانی را موجب شده است. سکونتگاه‌های غیررسمی به دلیل بستر نامناسب تعاملات اجتماعی قادر به تولید کیفیت مطلوب شهری نبوده و عملاً ناکارآمدی هویتی خود را نیز اشاعه می‌دهند که شناسایی و تشخیص این بافت‌ها و نیز ارزیابی علل شکل‌گیری می‌تواند در نگاه مدیریتی حائز اهمیت باشد. مشکلات حاصله از قبیل سطح بالای بیکاری، فشار بر خدمات و زیرساخت‌های شهری و نارسایی‌های شدید در فراهم آوردن مسکن برای ساکنان شهری بوده که متعاقباً باعث بروز پدیده مهاجرت در ابعاد کلان شده است که علل شکل‌گیری این فرایند خود نوعی زیرساخت مطالعاتی را به همراه خواهد آورد. پژوهش حاضر با هدف تشخیص علل شکل‌گیری و نحوه شناسایی سکونتگاه‌های غیررسمی به ارزیابی زیر معیارهای اجتماعی-اقتصادی نظیر مهاجرت در موضوع گستره فقر شهری پرداخته است. روش پژوهش حاضر تحلیلی-توصیفی بوده که مقیاس تحلیلی سکونتگاه‌های غیررسمی در بستر معضلات اجتماعی نظیر مهاجرت مطرح و در مرحله اول برای شناسایی با استفاده از مدل تحلیل سلسله مراتبی، سطح معیارها و وزن دهی زیر معیارها و نیز اهمیت نسبی آن‌ها استفاده شده و نهایتاً توسط نرم‌افزار اکسپرت چویس و نیز مدل دلفی مورد تحلیل واقع گشته و در مرحله دوم برای بررسی انطباق‌پذیری و همبستگی شاخص مهاجرت و نیز فرسودگی اجتماعی حاصله، سنجش میدانی با تعداد ۳۷۵ پرسشنامه به شیوه محقق ساخت به صورت طیف لیکرت در مقیاس رتبه‌ای، به‌عنوان حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران در مناطق شهری نمونه شهر سنندج انجام و نهایتاً بر اساس مدل کاربردی از میان ۴ معیار، شاخص مهاجرت به‌عنوان عامل انطباق با کل معیارها مورد بررسی واقع شد که نتیجتاً انطباق‌پذیری در محلات نمونه از میان ۲۰ سکونت‌گاه غیررسمی تبیین و نیز در سه محله تپه علیابک و شمال شهدا با میزان ۶۴ درصد، محله فیض‌آباد، حدوداً ۵۲ درصد و محله غفور حدوداً ۷۵ درصد اثبات گر شناسایی این نوع سکونتگاه‌های شهر است. بدین ترتیب زیر معیار و شاخص مهاجرت با هدف شناسایی محلات فرودست و بستر شکل دهنده به سکونتگاه‌های غیررسمی با بطن گستره فقر شهری همبستگی بالایی داشته و علل اقتصادی و اجتماعی مبدأ مهاجرت و بستر مناسب مقصد می‌تواند دلیل اصلی این پدیده باشد.

واژگان کلیدی: فقر شهری، محلات فرودست، سکونتگاه غیررسمی، پدیده مهاجرت، علل اقتصادی-اجتماعی

مقدمه

امروزه نیمی از جمعیت جهان را شهرنشینان تشکیل می‌دهند و تا پایان قرن حاضر، رشد این میزان تا ۷۰ درصد تخمین زده می‌شود. بر اساس گزارش ۲۰۰۳ اسکان بشر سازمان ملل متحد، در حدود ۴۰ درصد از جمعیت شهری در کشورهای در حال توسعه، در سکونتگاه‌های غیررسمی ساکن هستند و پیش‌بینی می‌شود این رقم تا ۲۰۳۰ به دو میلیارد نفر برسد (UN Habitat, 2003: 2006). افزایش جمعیت، نرخ رشد بالای فقر را به همراه خواهد داشت و این فقر در شکل امروزی خود یعنی فقر شهری با پیامدهایی همچون کمبود مسکن و سکونتگاه‌های غیررسمی در متن شهر نمایان می‌شود (Divyani Kohlki, 2011). نادیده گرفته شدن اقلیت فقیر در برنامه‌ریزی‌های کالبدی و مسکن شهری که در حوزه ثروت نمودار می‌گردد، موجب پیدایش و تشدید نابرابری و فقر اقتصادی و در نهایت اسکان غیررسمی می‌شود. فقر اقتصادی و توزیع و تمرکز جغرافیایی نابرابر ثروت در کشورهای در حال توسعه موجب مهاجرت گسترده جمعیت از حواشی فقر به سوی مراکز ثروت به منظور برخورداری از فرصت‌های اشتغال، درآمد، خدمات بیشتر و امید به آینده‌ای بهتر گردیده است. در این فرایند، مهاجران به شهرها به خاطر عدم توان و جذب اقتصادی در متن و زندگی در فضای داخلی شهرها، در حواشی و پیرامون آن‌ها به صورت غیررسمی اسکان می‌یابند (Sheikhi, 2006). از ملاحظات فوق حاصل می‌شود که بروز تغییرات در ساختار جمعیتی و اقتصادی در سطح کشور، موجب پیدایش دو پدیده به نام‌های فقر شهری و مهاجرت می‌شود که این دو مستقیماً با یکدیگر در ارتباط بوده و خروجی کالبدی آن‌ها، سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینی است.

حاشیه‌نشینی از آغاز انقلاب صنعتی در لندن شروع به نمایان شدن کرد و امروزه در تمامی کشورهای در حال توسعه از مشکلات اصلی شهری محسوب می‌شود. در ایران نیز در دوره‌های مختلف و به عناوین متفاوت، این پدیده شکل گرفته و گسترش پیدا کرده است. بر طبق آمار دفتر ستاد ملی بازآفرینی شهری وزارت راه و شهرسازی کشور، ۳۰ درصد از جمعیت شهری کشور معادل ۲۰ میلیون نفر در سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های فرسوده زندگی می‌کنند. این افراد در بیش از ۵۷ هزار هکتار از محلات نابسامان میانی، ۲۱ هزار هکتار از عرصه‌های تاریخی مراکز شهرها و ۴۸ هزار هکتار از سکونتگاه‌های غیررسمی کشور ساکن هستند. محدوده‌های وسیعی از شهرهای کشور با مشکلات پیچیده‌ای به ویژه فقر شهری و نبود ایمنی و بحران هویت، روبرو هستند. در حال حاضر ۹۷۴ سکونتگاه غیررسمی در کشور وجود دارد و هم‌اکنون پیش‌بینی می‌شود که جمعیت سکونتگاه‌های غیررسمی به حدود ۱۱ تا ۱۳ میلیون نفر برسد که شامل ۲۰ درصد جمعیت کشور می‌شود. در حالت کلی سکونتگاه‌های غیررسمی به دلیل بستر نامناسب مناسبات و تعاملات اجتماعی قادر به تولید کیفیت مطلوب شهری نبوده و عملاً ناکارآمدی هویتی خود را نیز اشاعه می‌دهند که شناسایی و تشخیص این بافت‌ها در وهله اول و نیز ارزیابی علل شکل‌گیری می‌تواند در نگاه مدیریتی حائز اهمیت باشد. در پژوهش حاضر سعی در پاسخگویی به سؤالاتی است که بیشتر بر اساس چگونگی تشخیص علل شکل‌گیری و نحوه شناسایی مطرح می‌شوند، به طوری که اصلی‌ترین سؤالات؛ ۱- شاخص‌های اصلی شناسایی محلات فرودست شهری به‌عنوان بستر شکل‌گیری بافت سکونتگاه غیررسمی کدام است؟ ۲- شناسایی علل شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی با چه زیر معیارهایی انطباق مستقیم دارد؟ ۳- مهاجرت (به‌عنوان یکی از زیر معیارهای اجتماعی) و گستره فقر شهری (زیر معیار اقتصادی)، در چه حدی می‌تواند انطباق

پذیر باشند؟ در حالت کلی سؤالات مطرح شده سعی در تبیین ساز و کار محلات فرودست شهری به شیوه قیاسی است تا بتوان بعد از بررسی مفهوم فرودستی، ابعاد شکل دهنده آن را در یک سیر مفهومی و کاربردی تبیین نموده و ارتباط معناداری معیار و زیر معیارهای محتوایی را مورد سنجش قرار داد. در حقیقت ساختار مؤلفه‌ای پژوهش زمانی می‌تواند نوآوری دریافته‌ها را مورد چالش قرار دهد که بستر این نوع بافت‌های حاشیه‌ای بر اساس علل مستقیم اقتصادی-اجتماعی مطرح شود، بنابراین هدف اصلی در تبیین ساختار پژوهش در بررسی منابع بروز و استخراج مدل بهینه از نگرش ناهنجاری‌هایی نظیر مهاجرت نهفته است که بتواند این نوع بافت‌های فرودست شهری را به مناسب‌ترین روش در سطح کشوری تحلیل کرده و علل شکل‌گیری را مورد سنجش قرار داده و بعد از تحلیل یافته‌ها، نتایج لازم را همراه با نوع بینش سیستماتیک لازم جهت ملزوم سازی در سطح مدیریت شهری و نیز راهبردی ارائه کند.

پژوهش حاضر به روش تحلیلی-توصیفی بوده به لحاظ هدف کاربردی است. شیوه گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای (آمار و اسناد) و پیمایشی (پرسشنامه) است. در این پژوهش با توجه به نوع مسئله و هدف مدنظر، مقیاس تحلیل سکونتگاه‌های غیررسمی در بستر معضلات اجتماعی نظیر مهاجرت مطرح شده که نسبت به ابعاد مستخرج و شاخص‌های بیان شده در جدول زیر که شامل محاسبات معیارهای چهارگانه کالبدی، اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی در قالب شاخص‌های نرمال موضوعات اصلی پرداخته شده است.

به همین جهت در مرحله اول برای شناسایی با استفاده از مدل AHP سطح معیارها و وزن دهی زیر معیارها و نیز اهمیت نسبی آن‌ها استفاده شده و نهایتاً توسط نرم‌افزار expert choice و نیز مدل دلفی مورد تحلیل واقع گشته است.

در ادامه در تشخیص بافت سکونتگاه‌های غیررسمی از مدل دلفی نیز استفاده شده که نشان دهنده محدوده این نوع بافت‌های شهری است. در نهایت با توجه به ساختار پژوهش شاخص مهاجرت و فقر شهری در بستر سکونتگاه‌های غیررسمی بررسی و میزان همبستگی آن با توجه به پدیده مهاجرت در محلات و نیز ساختار کلی سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر سنج استخراج شده است.

علاوه بر آن در بعد اجتماعی برای دقیق‌تر شدن نتایج حاصله، فرسودگی اجتماعی ناشی از بعد مهاجرت و فقر شهری نیز به روش میدانی مورد ارزیابی مجزا قرار گرفت که طبق آن، در سنجش اجتماع محلی تعداد ۳۷۵ پرسشنامه به شیوه محقق ساخت به صورت طیف لیکرت در مقیاس رتبه‌ای، به‌عنوان حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران با سطح خطای ۵ درصد (ضریب اطمینان ۹۵ درصد) که با توجه به میانگین جمعیت به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده توزیع شد.

با ورود داده‌های حاصله به محیط نرم‌افزار SPSS، ضریب آلفای کرونباخ برای ۳۰ پرسشنامه نمونه برابر با ۰/۹۳۴ محاسبه گردید که حاکی از پایایی بالای آن است که صحت روایی پرسشنامه‌های پژوهش توسط نخبگان و کارشناس امر به‌صورت پیش‌آزمون برای تعیین اهمیت نسبی مؤلفه‌های مؤثر بر سکونتگاه‌های غیررسمی در حوزه علوم اجتماعی شهری مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است.

جدول ۱: تبیین عملیاتی معیار، زیر معیار و متریک‌های اندازه‌گیری با ارزیابی کیفی سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد مهاجرت در بافت‌های حاشیه‌ای

معیار	زیر معیار	متریک اندازه‌گیری
کالبدی	دسترسی معابر	• تراکم ساختمانی در هر هکتار
	عرض شبکه معابر	• سطح مساحت و نسبت مساحت همکف
	نفوذه‌پذیری بافت	• مساحت، کیفیت و نما ابنیه
	تراکم ساختمانی	• پلان‌های طبقه همکف و شکل آن
	بلوک‌بندی	• طرح خیابان و نوع ساختمان
	دانه‌بندی	• سن ابنیه از میزان ۱ تا ۳۰ و بیشتر
محیطی	فضای سبز	• سطح فضای سبز
	آلودگی هوا و آب	• میزان آلودگی هوا، آب و صوتی
	آلودگی صوتی	• وجود ایستگاه‌های پلیس
	میزان جرائم	• میزان جرم و خشونت
اجتماعی	مهاجرت	• تراکم جمعیتی
	سطح خانوار	• خانوار در واحد مسکونی
	تراکم	• سرانه زیر بنای مسکونی
	سطح سواد	• تراکم جمعیتی
	نسبت جنسی	• نرخ باسوادی
		• نرخ بیکاری
	• نرخ مهاجرت	
	• بار تکفل	
• نسبت مرد و زن		
اقتصادی	مسکن	• قیمت مسکن
	نرخ بیکاری	• نرخ بیکاری در منطقه و ناحیه
	سطح درآمد	• میزان درآمد خانوارها
	سطح اجاره	• میزان قیمت اجاره‌ها

Source: Research Findings, 2020

رویکرد نظری

در زمینه بافت‌های فرودست و سکونتگاه‌های غیررسمی بخصوص در سال‌های اخیر مطالعات مختلف با رویکردهای متنوعی انجام شده که بیشتر بر مقیاس‌های کلان در قالب مراکز استان و نیز مقیاس‌های شهری مورد توجه قرار گرفته است که در بیشتر مواقع با استفاده از روش پژوهش برنامه محور، نمونه‌ها مورد بررسی قرار گرفته و نتایج ارائه شده است، اما می‌توان نمونه‌هایی را در ضمن پژوهش جاری بیان نموده و جنبه نوآوری مباحث و رویکرد تحقیق را عنوان نمود:

پرلمن (۱۹۶۸-۱۹۶۹) موضوع حاشیه‌نشینی را مطرح نموده و بستر سکونتگاه‌های غیررسمی را در قالب چگونگی در فاوولا‌های ریودو ژانیرو برزیل تبیین نمود که در قالب کتابی با عنوان «حاشیه‌نشینی: فقر شهری و سیاست‌ها در ریودوژانیرو»^۱ دیدگاه منفی به فقر شهری را که تا آن زمان غالب بود، به چالش کشید. استاکس نیز در یک گونه‌بندی دیگر بین جوامع یا محله‌های فقیرنشین موفق و ناموفق مرز مشخصی را ترسیم نمود. (Potter and Evans, 2005) ترنر نیز بر پایه پویایی گروه‌های ساکن در این نوع سکونتگاه‌های غیررسمی گونه‌شناسی را مطرح نموده و به سه دسته گروه طلایه دار یا تازه وارد کم‌درآمد، گروه تثبیت‌کنندگان و گروه جستجوگران تقسیم نمود. سازمان اسکان

¹ Marginality: Urban Poverty and Politics in Rio de Janeiro

بشر^۱ شاخص‌های کلی شناسایی محلات فقیرنشین در سطح جهانی را مطرح نموده که طبق آن، هر خانوار زاغه‌نشین یک مورد یا پنج مورد از امکانات مشخصی نظیر، مسکن بادوام، منطقه مناسب برای زندگی، دسترسی به امکانات بهداشتی، امنیت تصرف را مطرح نمود. (UN-Habitat, 2015) در پژوهش دیگری که توسط ریچارد اسلیزاس^۲ (۲۰۱۶) با عنوان «مدیریت سکونتگاه‌های غیررسمی بر اساس پایه‌ای اطلاعات جغرافیایی» به شناسایی این نوع بافت‌ها با استفاده از فناوری سنجش از راه دور و نیز جی.ای.اس پرداخته و موارد انطباقی سنجش این نوع بافت‌ها را مطرح نموده است. کسی و سکیته^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «ساختار سازی حقوق فقر در سکونتگاه‌های غیررسمی و کاربرد های آن در کاهش فقر شهری» مطرح نموده که شاخص‌های اصلی شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی نیز مورد توجه و بازنگری قرار داده است.

در پژوهش‌های داخلی نیز، با احتساب پژوهش‌های ارزشمند پیران در مجموعه مقالاتی که در مجله سیاسی اقتصادی در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ به واکاوی و بررسی سکونتگاه‌های غیررسمی پرداخته و دیدگاه‌های جامعه‌شناسی را در ارتباط با شهرنشینی و اجتماع شهری در کشور ایران مطرح نموده است. صرافی (۱۳۸۷) در پژوهش‌های متعددی نیز به موضوع فقر شهری و سکونتگاه‌های غیررسمی به صورت ماهیت و محتوا پرداخته است. حاتمی نژاد و دیگران (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی برخی شاخص‌ها در سکونتگاه‌های غیررسمی اطراف کلان‌شهر تهران» به شاخص‌های شکل‌گیری پرداخته و با دسته‌بندی آن‌ها سه سطح اجتماعی، اقتصادی و کالبدی پرداخته است. ایراندوست و صرافی نیز در مقاله‌ای با عنوان «یاس و امید در سکونتگاه‌های غیررسمی، نمونه موردی شهر کرمانشاه» به بررسی نظرات مختلف پرداخته و شاخص‌هایی را برداشت نموده و برای هر یک از معیارهای چندگانه، زیر معیارهایی مطرح نموده است. هیراسکار (۱۳۸۶)، شیخی و شکویی نیز به موارد مشابه در نمونه موردی‌های متنوع پرداخته و علل شکل‌گیری را در زیر معیارهای عموماً اقتصادی و نیز گاه اجتماعی جستجو نموده‌اند. اما در مواردی دیگر در قالب نمونه موردی شهر سنندج، بمانیان و همکاران (۱۳۹۰) و نیز ایراندوست و دیگران (۱۳۹۲) در مورد سکونتگاه‌های غیررسمی در مناطق شهری مطالعاتی را انجام داده‌اند که عموماً از بستر شکل‌گیری سکونتگاه‌ها، علل اصلی را مطرح و به شاخص‌های ارزیابی در سطح کلان پرداخته‌اند.

در یک نگاه کلی می‌توان پژوهش‌های ذکر شده در محوریت تحقیق حاضر را در چند مورد ارزیابی قرار داد، به طوری که بیشتر پژوهش‌های ذکر شده: ۱- ابعاد مفهومی و ماهیتی سکونتگاه‌های غیررسمی را مورد توجه قرار داده که لزوماً در نوعی هدف بنیادین سطحی از اطلاعات را تولید کرده‌اند ۲- موضوع سکونتگاه‌های غیررسمی در بحث شناسایی با تقسیمات استاندارد چند معیاری مطرح شده که لزوماً محققین به چپستی و چگونگی این فرایند تمرکز عمیقی نکرده‌اند ۳- در شکل نوآورانه مفاهیمی نظیر علل انطباقی در سطح موردی مورد بحث واقع شده ولی کاربردی در بعد ساختاری ندارند. نتیجتاً مفهوم فرودستی و نیز فقر شهری در قالب سکونتگاه‌های غیررسمی در پژوهش حاضر، با بررسی شاخص‌های و زیر معیارهای دخیل مورد توجه واقع شده و زیر معیاری نظیر مهاجرت را

¹ UN Habitat

² Richard Sliuzas

³ Alphonse Kyessi & Tumpale Sekiete

در انطباق‌پذیری با گستره فقر شهری در قالب مدل کاربردی مطرح و علل شکل‌گیری را از سطح خرد به کلان مورد توجه قرار داد است.

سکونتگاه‌های غیررسمی

رشد بی‌رویه جمعیت، رشد شهرنشینی را به دنبال داشته و این امر در کشورهای در حال توسعه، با افزایش سطح برخورداری شهرها و محرومیت روزافزون روستاها موجب توسعه نابرابر در این دو سکونتگاه شده که این امر مهاجرت‌های داخلی را در پی داشته و منجر به ایجاد سکونتگاه‌های غیررسمی شده است (Bezi and Rahmati, 2011). اصطلاح اسکان غیررسمی^۱ مترادف است با تصرف زمین توسط فردی که فاقد مالکیت زمینی است که روی آن سکونت اختیار کرده است. و حاشیه‌نشینی^۲، به ناحیه‌ای با خانه‌های نامناسب و کثیف و با تراکم بالا اطلاق می‌شود، این اصطلاح به دهه ۱۸۲۰ برمی‌گردد. احتمالاً از Slum که به مکان باتلاقی و کثیف اشاره دارد، منتج شده است (Cowan, 2000). خاستگاه اصلی و اولیه سکونتگاه‌های غیررسمی و فرآیند پیدایش آن به انقلاب صنعتی و کشورهایی که در طی آن توسعه یافتند جستجو کرد. این نوع از سکونت و سکونتگاه، پس از انقلاب صنعتی، ابتدا در شهرهای انگلستان و پس از آن در سایر شهرهای اروپا رواج یافت (Khazaie & Zivaryar, 2012). این امر به تدریج در تمامی شهرهای جهان که مسیر توسعه را در پیش گرفته‌اند، خود را نمایان ساخته است. امروزه اکثریت شهرهای جهان، مخصوصاً شهرهایی که در حال توسعه هستند، با معضلات این نوع از سکونتگاه روبرو می‌باشند (Rahnama & Tavangar, 2008).

برای توصیف سکونتگاه‌های غیررسمی، اصطلاحات بسیار متنوعی بکار رفته است که هر یک نشان دهنده جنبه‌هایی از ویژگی‌های این سکونتگاه‌هاست. از جمله، می‌توان سکونتگاه‌های خودانگیخته^۳، مهارگسیخته^۴، موقتی^۵، نامنظم^۶، غیرقانونی^۷، خودیار^۸، حاشیه‌ای^۹، پیرامونی^{۱۰}، آلونک^{۱۱} و سکونتگاه‌های کم‌درآمد^{۱۲} را برشمرد (Potter and Lloyd, 2005). به گفته کلارک (۲۰۰۸)، سکونت‌گاه غیررسمی، گروهی از واحدهای مسکن است که بر روی زمین‌هایی بنا شده‌اند که به گونه‌ای غیر قانونی اشغال شده‌اند و افراد دعوی قانونی در خصوص این زمین‌ها ندارند (Clark, 2015). مرکز اسکان بشر (۲۰۰۳)، سکونتگاه غیررسمی را مسکنی بدون چارچوب‌های قانونی و ضوابط می‌داند که در شهرها دایر می‌شوند و می‌توانند به گونه‌هایی مختلف غیر قانونی باشند (UN-Habitat, 2003). این سکونتگاه‌ها،

¹ Informal settlements

² Slum

³ Spontaneous

⁴ Uncontrolled

⁵ Makeshift -

⁶ Irregular

⁷ Illegal

⁸ Self help

⁹ Marginal

¹⁰ Peripheral

¹¹ Shanty town

¹² Low income settlements

از دیدگاه بانک جهانی، در اثر کیفیت پایین مسکن و محیط‌زیست، تحت تأثیر هستند و مورد فراموشی قرار گرفته‌اند (Kazemian et al, 2012).

سکونتگاه‌های غیررسمی، به نوعی نمود نا عدالتی اجتماعی-اقتصادی در زمینه توزیع منابع و امکانات در بستر جامعه شهری هستند که موجب عدم بهره‌مندی ساکنان آن‌ها از مزایای شهرنشینی می‌باشند (Gleeson, 2006 & Barrent, 2011). سکونتگاه‌های غیررسمی، محل اسکان آن دسته از جمعیت شهری است که بر اساس قراردادهای غیررسمی و غیر قانونی و به دور از ضوابط و اصول و قوانین بازار رسمی زمین و مسکن است و به گفته تتر، برنامه ریزان برای سکونت قشر فقیر ساکن در این بخش، طرح و برنامه‌ای ارائه نمی‌کنند (Piran, 2002). در این سکونتگاه‌ها، روند ساخت و ساز و ایجاد مسکن، کاملاً برعکس روند رسمی و استاندارد آن است. به نحوی که افراد پس از یافتن زمین، ابتدا شروع به ساخت و ساز می‌کنند که آن‌ها معمولاً در بازه زمانی بسیار کوتاه و سریع و به دور از رعایت قوانین و مقررات ساخت و ساز مسکن و پس از اتمام کار (آن هم در صورت اجبار از جانب شهرداری)، شروع به اقدام قانونی از قبیل تملک و نحوه خدمات و سایر موارد می‌کنند. این خود موجب می‌گردد که تأمین زیرساخت‌ها برای بافت، پس از شکل‌گیری آن مطرح شود و عملاً باعث محرومیت آن‌ها از خدمات شهری می‌شود (Porkheradmand & et al, 2009).

اسکان غیررسمی به‌مثابه آلونک‌نشینی از چهره‌های بارز فقر شهری تعریف شده است که درون یا مجاور شهرها به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه رسمی شهرسازی توسط جمعی از اقشار کم‌درآمد با سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد (sarafi, 2002). شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران، به سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۵ بازمی‌گردد که از مصادیق فقر شهری به وجود آمده در آن بازه زمانی است (Irandoost, 2010). تشدید آن مربوط به اصلاحات ارضی (۱۳۴۰) و شکل‌گیری صنایع در شهرها و به تبع آن افزایش مهاجرت از روستا به شهر بوده که این خود باعث ایجاد تغییر در سازمان فضایی شهرها شد (Irandoost, 2009; Mojtahedzade, 2003; Habibi, 2008; Hesamian, 2009).

• علل پیدایش سکونتگاه‌های غیررسمی

مسائل و موضوعات متعددی را می‌توان به‌عنوان علل شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها برشمرد و به نسبت هر شهر و مورد این موارد مختلف و متنوع هستند. چراکه میزان، نحوه و زمان توسعه هر شهر، شرایط روستاها و روستاییان در نزدیکی و حوزه نفوذ آن شهر، نحوه مدیریت و رسیدگی به مسائل ناشی از مهاجرت‌های صورت گرفته و بسیاری موارد از این دست می‌توانند علل و پیش‌زمینه‌های تشکیل چنین سکونتگاه‌هایی را در هر شهری رقم بزنند. لذا برخی موارد عمده و اصلی که به نوعی در بین تمامی موارد عمومیت دارند را می‌توان بدین‌سان تشریح نمود؛ ساختار تبعیض‌آمیز و فقر زایی که به توزیع ناعادلانه قدرت و ثروت در جامعه انجامیده، ضعف برنامه‌ریزی‌های مربوط به پاسخگویی به نیاز مسکن اقشار کم در آمد و عدم پیش‌بینی فضاهای شهری برای اسکان دادن آن‌ها، عدم دسترسی اقشار نیازمند به نظام‌های رسمی اعتباری و وام مسکن و ساخت‌وساز و اشتغال، عدم حمایت‌های دولت و دستگاه‌های مربوطه از این اقشار حتی در جهت خانه‌سازی‌های خود یار و توسعه اقتصادی ناموزون شهرها، تمرکز بر طرح‌های صنعتی و خدماتی و به حاشیه رانده شدن بخش کشاورزی در دوران‌هایی خاص مانند دهه‌های ۲۰ و

۳۰، مورد اخیر موجب ایجاد فاصله عمیق طبقاتی بین شهرنشینان و روستانشینان و ایجاد مهاجرت گروه‌های روستایی به مناطق اسکان غیررسمی شده است.

زنگی‌آبادی و همکاران (۱۳۸۴)، با ذکر دلایل متنوع متعدد برای پدیده حاشیه‌نشینی، مهاجرت را یکی از دلایل مهم آن برمی‌شمارد (Zangiabadi et al., 2005). در واقع مهاجرت به رشد بی‌رویه شهرها منجر می‌شود و شهرنشینی را به دنبال دارد به بیان دیگر، مهاجرت و شهرنشینی دو جنبه مرتبط به هم هستند. مهاجرت شهرنشینی را وسعت می‌بخشد و شهرنشینی علت مهاجرت است (Brinley, 1966). در ایران، عوامل تأثیرگذار بر حاشیه‌نشینی را گذار از نظام سنتی تولید به نظام سرمایه‌داری، چگونگی توزیع و پراکندگی جمعیت و فعالیت در سطح کشور، رشد بالای جمعیت و تأثیرگذاری آن بر رشد شتابان کلان‌شهرها تبیین می‌کنند (Hosseini, 2005).

مهاجرت و پدیده فقر شهری

مهاجرت، از دیدگاه جغرافیای جمعیت، جابه‌جایی بین دو واحد جغرافیایی و یا به عبارت دیگر ترک یک سرزمین و اسکان در سرزمین دیگر می‌باشد. مهاجرت برای انسان‌هایی مطرح می‌شود که استقرار یافته‌اند و برای مدتی نسبتاً طولانی در مکانی ساکن بوده و احتمالاً در این مدت تصمیم قطعی برای مهاجرت نداشته‌اند، در یک مقطع زمانی انگیزه‌ای اعم از اقتصادی و اجتماعی و یا سیاسی آن‌ها را به ترک سرزمین اصلی و اقامت در سرزمین دیگر والی دارد که معمولاً قصد بازگشت در آن مطرح نیست (Clark, 2015).

جابه‌جایی مردم از جایی به جای دیگر به دلایل کار یا زندگی صورت می‌پذیرد. این جابه‌جایی به دو دلیل عمده که یکی در مبدأ و دیگری در مقصد است اتفاق می‌افتد. دلایلی همچون فقر، بیماری، مسائل سیاسی، کمبود غذا، بلایای طبیعی، جنگ، بیکاری و کمبود امنیت در مبدأ و شرایط و عوامل مساعد جذب‌کننده مقصد مهاجرت مانند امکانات بهداشتی بیشتر، آموزش بهتر، درآمد بیشتر، مسکن بهتر و آزادی‌های سیاسی در مقصد را می‌توان علل مهاجرت بیان کرد.

پی‌پر بروی، مهاجرت را یک اقدام اجتماعی اقتصادی مطابق با فطرت و نیازهای طبیعی انسان می‌داند. رولان پرسا، در تحلیل حرکات مهاجرتی به سه نکته؛ دائمی یا طولانی بودن مدت اقامت در محل جدید، وجود فاصله مکانی بین دو محل و وجود فاصله زمانی و زمان انجام مهاجرت توجه می‌کند. او با توجه به دائمی یا طولانی بودن مدت اقامت در محل جدید تمایزی بین مهاجرت و تحرک مکانی قائل می‌شود و آن را از حرکاتی چون کوچ، مسافرت و حرکت اونگی جدا می‌کند. فاصله مکانی در مهاجرت با عبور از مرز سیاسی مشخص می‌شود که با عبور از آن‌ها، مهاجرت‌ها به سه دسته اصلی مهاجرت بین‌المللی، مهاجرت خارجی و مهاجرت داخلی تقسیم می‌شوند. مهاجرت بین‌المللی بین دو کشور مستقل انجام می‌شود و مهاجرت خارجی بین دو سرزمین انجام می‌شود که حداقل یکی از آن‌ها کشور مستقل نیست. در مهاجرت داخلی هم فرد محل اقامت خود را داخل یک کشور تغییر می‌دهد. در حال حاضر در هیچ یک از انواع مهاجرت‌ها اعم از مهاجرت‌های داخلی آن و انواع آن و مهاجرت‌های خارجی، فاصله مکانی طی شده بین مبدأ مهاجرت‌ها و مقصد مهاجرت تعیین‌کننده نبوده و آنچه مهم است عبور از مرزهای جداکننده مراکز جمعیتی و مدیریتی است. حتی عزیمت از روستایی به روستای دیگر که در نزدیکی هم قرار دارند

نیز مهاجرت محسوب می‌شود حتی اگر یک رودخانه مرز آن‌ها باشد. اما جابه‌جایی عشایر مهاجرت محسوب نمی‌شود (Zanjani, 2001).

سه موضوع؛ مهاجرت داخل شهرستانی، مهاجرت بین شهرستانی و زمان انجام مهاجرت در بحث مهاجرت داخلی بررسی می‌شود و مورد اصلی که در این پژوهش بر روی آن بحث می‌شود، مهاجرت داخل شهرستان است که در چهار دسته کلی مهاجرت روستا به روستا، مهاجرت روستا به شهر، مهاجرت شهر به شهر و مهاجرت شهر به روستا مورد بررسی قرار می‌گیرد. مهاجرت بین شهرستانی هم بر حسب اینکه داخل استان انجام می‌شود یا بین چند استان انجام شود به دو دسته داخل استانی و بین استانی تقسیم می‌شود که این دو دسته هر کدام به چهار شکل روستا به روستا، روستا به شهر، شهر به روستا و شهر به شهر انجام می‌شوند (Zanjani, 2001). در مبحث مهاجرت، عموماً این نوع ترک مبدأ عملاً نتیجه مجموع ناملایمات اقتصادی و ناکارآمدی سیستماتیک کلان است که در حالت کلی طبقات مختلف جامعه را در بر می‌گیرد. این نوع ناکارآمدی اقتصادی در جوامع و نیز همپوشانی شدن با نوعی سرمایه‌گریزی در مبدأ و تجمع نیروی پیشرانه اقتصاد در مرکز، فقر شهری را موجب شده که قطعاً تبعات پدیده‌ای مانند سکونتگاه‌های غیررسمی جزو پایه‌ای‌ترین چالش‌ها قرار می‌گیرد.

مهاجرت در سکونتگاه‌های غیررسمی

سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌ای از جمله چهره‌های بارز فقر شهری به شمار می‌روند که در درون یا مجاور شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به شکل خودرو و فاقد مجوز و برنامه‌ریزی، با تجمعی از اقشار کم‌درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرند. این امر، مشکلات جدی و بی‌شماری را به دنبال داشته که شامل سطوح بالایی از بیکاری در شهرها، فشار فوق‌العاده بر خدمات و زیرساخت‌های شهری و نارسایی‌های شدید در فراهم آوردن مسکن برای ساکنان شهری است. چنان‌که براساس گزارش سازمان ملل متحد، حاشیه‌نشینی و آلونک‌نشینی چالش اصلی هزاره سوم معرفی شده است. براین اساس در جهان از هر ۶ نفر، یک نفر در زاغه‌ها زندگی می‌کنند و بدون عمل مشترک دولت و مشارکت ساکنان، جمعیت یک میلیاردی زاغه‌ها در سال ۲۰۳۰ به دو میلیارد نفر خواهد رسید (jennervik, 2006).

به دلیل ماهیت مهاجرت و اینکه اساساً پدیده‌ای بین‌رشته‌ای است، اندیشمندان مختلف بنا به حوزه تخصصی خود تعاریف متعددی از آن عنوان کرده‌اند. مهاجرت نوعی از جابه‌جایی مکانی است. یکی از جنبه‌های تجزیه و تحلیل جمعیت، به نقل و انتقال سکونتی انسان از مکانی به مکان دیگر مربوط می‌شود (Nazari, 1994) در ایران در یک صدسال اخیر، مهاجرت‌های روستایی شدید بوده و معضلات آن دامن‌گیر مناطق شهری و روستایی ایران بوده است. از جمله این معضلات حاشیه‌نشینی است تا جایی که به‌عنوان یکی از عمده‌ترین و بغرنج‌ترین معضلات شهری (Parsapajoo, 2002) رخ نموده که پیوسته نظر برنامه‌ریزان شهری را به خود معطوف ساخته است. اقشار کم‌درآمد ساکن در مناطق روستایی و شاغل در فعالیت‌های تولیدی سنتی به دلیل در حاشیه قرار گرفتن این بخش، راهی شهرها شده‌اند و به همین دلیل شهرها فرهنگ دوگانه‌ای یافته‌اند و به مانند جزیره‌ای ثروتمند در کمربندی سیاه از محرومیت محصور شده‌اند (Rabbani et al., 2004) مهاجران روستایی که به‌سوی شهرها روانه گشته‌اند و برای خود سرپناهی نمی‌یابند با انواع مختلف شرایط ناکافی زندگی و به‌طور کلی با کمبود یک یا چند تا از شرایط زیر مواجه

هستند: ۱. دسترسی به منابع آب سالم، ۲. دسترسی به تسهیلات بهداشتی مناسب، ۳. مناطق زندگی شایسته، ۴. کیفیت ساختمان و ۵. امنیت (Millennium Development Goal Indicators Database, 2009).

بیکاری و مهاجرت بر یکدیگر تأثیرات متقابلی دارند، چراکه از یکسو توزیع ناعادلانه امکانات و خدمات به ظهور بیکاری و نبودن شغل برای افراد جویای کار منجر می‌شود و از سوی دیگر عدم اشتغال به بخش انبوهی از نیروی کار فشار وارد می‌آورد و آن‌ها را ناچار می‌سازد به منظور رسیدن به حداقل امکانات زندگی، موطن خود را ترک و به دنبال کار به شهرها مهاجرت کنند. بعد از مهاجرت به شهرها، زاغه‌ها مناطقی هستند که مهاجران فقیر روستایی اولین خانه ارزان و کوچکشان را در آنجا بنا می‌نهند و شروع به جست‌وجو برای یافتن شغل در همان حوالی می‌کنند. به عبارتی، بخش عمده‌ای از زاغه‌ها در هم‌جواری مناطق صنعتی و محیط‌های تجاری قرار گرفته‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد که هر چه میزان فعالیت‌های صنعتی در محلی بیشتر باشد، تعداد زاغه‌ها هم در آن مکان بیشتر خواهد بود (Ebrahimzadeh and Neghaban, 2004).

در موضوع مربوط به مهاجرت و دیدگاه‌های اقتصاد خرد، نظریه سرمایه انسانی مورد تأکید قرار می‌گیرد. این نظریه تأکید می‌ورزد که مهاجرت فرایندی است محصول خواست بشر برای افزایش امکانات زندگی است. مهاجرت، نتیجه ارزیابی منطقی هزینه - منفعت یک جابه‌جایی است. چنین چشم‌اندازی اثربخش‌ترین روش مطالعه مهاجرت‌های انسانی از منظر اقتصاد خرد است که نخستین بار ساستاد مطرح کرد و سپس شکل کلاسیک آن را تودار و ارائه کرد (Swain and Garasky, 2007).

براساس نظریه تودارو (۱۹۹۹) مهاجرت نوعی سرمایه‌گذاری بر روی بهره‌وری انسان است که همانند هر نوع سرمایه‌گذاری دیگر، هزینه‌ها و فایده‌هایی دارد. انسان‌ها منطقاً هزینه‌ها و مزایا را در تصمیم‌گیری‌هایشان در نظر می‌گیرند تا بتوانند محل موردنظر و اساساً امکان‌سنجی مهاجرت را ارزیابی کنند. بر طبق نظریات نئوکلاسیک اقتصاد کلان که به نابرابری‌های فضایی و جغرافیایی فرصت‌های اقتصادی اشاره دارد، چنین رویکردی مولد مهاجرت یک‌طرفه می‌گردد و افراد پس از بررسی کلیه گزینه‌ها، از مناطق با فرصت‌های کم به مناطق با فرصت‌های بیشتر حرکت می‌کنند. تأکید بر مهاجرت بیشتر به‌عنوان یک تصمیم خانوادگی و نه فردی، نخستین بار به وسیله دوازدهم و در دهه ۱۹۷۰ مطرح شد (Swain and Garasky, 2007).

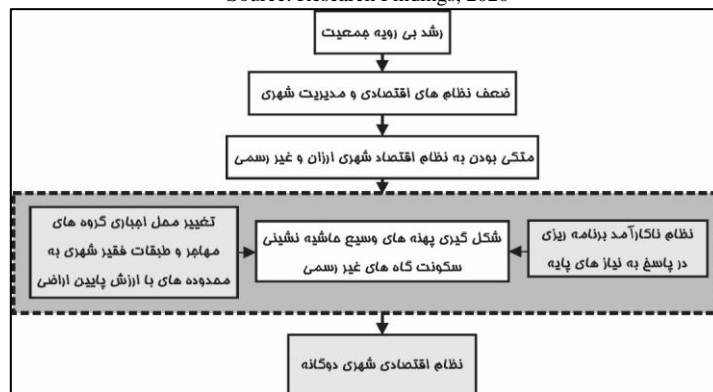
مینسر، چارچوبی نظری را در تبیین مهاجرت‌های خانوادگی بنیان نهاد که به موجب آن همسران در پی بهبود و به حداکثر رسانیدن وضعیت خانواده هستند (Mincer, 1978). از نظریه مینسر نمونه‌ای تجربی بسیاری استخراج شده و نشان می‌دهد که مهاجرت در خانواده‌هایی که زن و مرد هر دو شاغل هستند، تصمیمی مشترک است. به ویژه امروزه که رشد اشتغال و دستمزدهای زنان پدید آمده، این موضع بیشتر مشاهده می‌شود. توجه به الگوها و روندهای مهاجرت‌ها نشان می‌دهند که تنها با تأکید بر یک رشته یا یک سطح تحلیل نمی‌توان جریان‌های مداوم مهاجرتی و پیامدهای ناشی از این امر را در مناطق مختلف تبیین کرد. بلکه ماهیت چندوجهی آن نیازمند نظریه پیچیده‌ای است که دورنماها، فرضیه‌ها و سطوح گوناگون را در برمی‌گیرد (Massey et al., 1993). نتیجتاً با توجه به ساختار نظریه‌های مرتبط با فرودستی محلات شهری و نیز بسترسازی شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی می‌توان دیدگاه‌های هر یک از نظریه‌پردازان را در قالب مفاهیم زیر تبیین کرد که می‌توان به برخی مانند دیدگاه اکولوژیکی،

دیدگاه دوره‌ای فقر و حاشیه‌نشینی، دیدگاه‌های لیبرال، دیدگاه‌های رادیکال، دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا و ... اشاره کرد. از بستر این دیدگاه‌ها، می‌توان شاخص‌های شکل‌گیری محلات فرودست را تدوین کرد. و عوامل ساختاری شکل دهنده آن را نیز با در نظر گرفتن شرایط ساختاری کشور ایران و نیز تحلیل چالش‌های چندساله عنوان نمود.

جدول ۲: شاخص و معیارهای شکل‌گیری محله‌های فرودست در بسترسازی سکونتگاه‌های غیررسمی از دیدگاه‌های مختلف

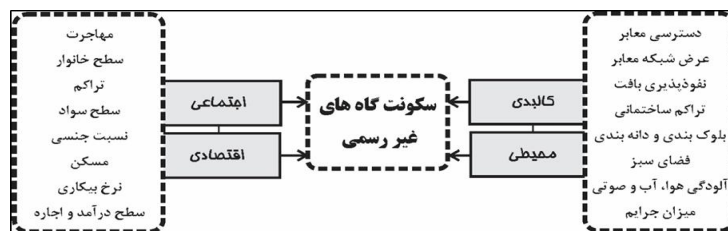
دیدگاه	شاخص‌ها و معیارهای شکل‌گیری	منابع
دیدگاه اکولوژیکی	- تغییر کاربری - کمبود مسکن و عدم تعمیر برای استفاده آن	(Mumtaz, 2009) (Hiraskar, 2007)
دیدگاه دوره‌ای فقر و حاشیه‌نشینی	- عدم سرمایه‌گذاری - مهاجرت روستاییان به شهر	(Zangiabadi et al., 2005) (Brinley, 1966) (Hosseini, 2005) (Sheikhi, 2001)
دیدگاه لیبرال	- جمعیت زیاد خانوار فقیرنشین - بی‌نظمی و ناامیدی اجتماعی میان فقیرنشین‌ها - مهاجرت به منظور یافتن شغل	(Clark, 2015) (Zanjani, 2001) (Shokouei, 2006) (Irandoost, 2010)
دیدگاه رادیکال	- شکاف زیاد میان طبقات اجتماعی - سطح پایین دستمزدها - کاهش سرمایه‌گذاری در مناطق فقیرنشین - کمبود مشوق‌های سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی	(Jennervik, 2006) (Rabbani et al., 2004) (Irandoost, 2010)
دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا	- روابط بین طبقات اجتماعی - تجمع ثروت و قدرت در یک شهر	(Swain & Garasky, 2007) (Mincer, 1978) (Shibak, 1383)

Source: Research Findings, 2020



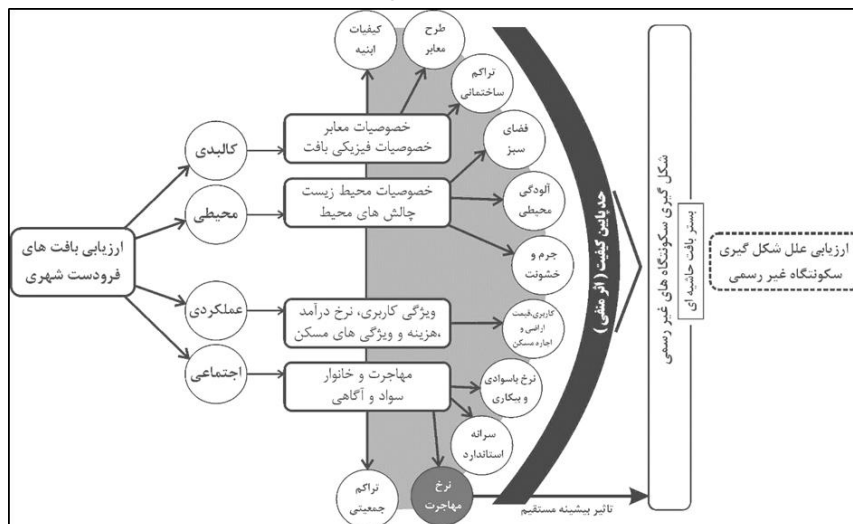
شکل ۱: عوامل مؤثر در شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران Source: Research Findings, 2020

به طبع این نوع تقسیم‌بندی در دیدگاه‌های مختلف، می‌توان در شناخت دسته‌ای معیارها به شاخه‌های اجتماعی، اقتصادی، محیطی و اقتصادی تقسیم کرد. بنابراین مفاهیم پایه‌ای این نوع محلات را می‌توان؛ بعد خانوار، تراکم جمعیت، نسبت جنسی، نسبت مهاجرین، بار تکلف، میزان درآمد، نرخ بیکاری، ارزش مسکن، بافت ابنیه، سرانه مسکونی، کیفیت ابنیه، دسترسی، مالکیت، جرائم اجتماعی، فضای سبز و غیره نام برد. (شکل ۲) در حالت کلی برای بررسی مفهوم سکونتگاه‌های غیررسمی نیاز به شناخت ابعادی آن بوده تا بتوان در یک تحلیل کلی چارچوبی را جهت ارزیابی ارائه نمود.



شکل ۲: ابعاد شکل‌گیری محلات فرودست در چارچوب مفهومی سکونتگاه‌های غیررسمی Source: Research Findings, 2020

بنابراین بر اساس مفاهیم ذکر شده برای دستیابی به شیوه مناسب برای ارزیابی سکونتگاه‌های غیررسمی با محوریت مهاجرت و فقر شهری در بستر بافت حاشیه‌ای می‌توان مدل مفهومی را ارائه کرد که بیشتر با بررسی معیارهای ذکر شده سعی در تدقیق زیر معیارهای دخیل در ارزیابی این نوع سکونتگاه‌های شهری است.



شکل ۳: مدل مفهومی پژوهش ارزیابی تاب‌آوری محلات مسکونی در بافت تاریخی

Source: Research Findings, 2020

محدوده مورد مطالعه

شهر سنندج، واقع در غرب ایران و مرکز استان کردستان و با ۳۶۳۷ کیلومترمربع مساحت و ۵۰۱۴۰۲ نفر جمعیت کل شهرستان، ۴۱۴۰۶۹ نفر ساکن در شهر سنندج و ۸۷۳۳۱ نفر ساکن در روستاها، بر طبق آمار حاصل از سرشماری ۱۳۹۵، یکی از بزرگ‌ترین شهرهای استان می‌باشد. این شهر در منطقه‌ای کوهستانی واقع است و کوه‌ها، تپه‌ها، مخروط افکنه‌ها و دوره‌هایی که در محدوده شهر سنندج قرار دارند و غالباً مسکونی شده‌اند، توپوگرافی شدیدی را در این محدوده باعث شده و می‌تواند بیانگر نوع و شیوه سکونت در این شهر باشد. ادغام روستاها با شهر و تغییر کاربری اراضی کشاورزی به شهری به ویژه در تپه‌های اطراف، موجبات به وجود آمدن مشکلات و مسائل مختلف در توسعه فیزیکی شهر پدید آورده است. تا سال ۱۳۴۰ روند رشد شهر منطقی بوده ولی با آغاز تحولات و تأثیر و تأثر ناشی از اصلاحات ارضی و مهاجرت‌های روستایی ناشی از آن و همچنین رشد اقتصادی اوایل دهه ۵۰ و در افزایش درآمد شهری و نیز تغییر و تحولات بعد از انقلاب همه و همه باعث رشد شتابان و ناموزونی در ساختار شهر شده‌اند. این رشد به گونه‌ای ادامه پیدا کرد که در دوره زمانی ۱۷ ساله (۱۳۴۰-۱۳۵۷) رشدی معادل ۳۵۰ سال تاریخ خود را داشته است (Habibi and Poorahmad, 2005). از سال ۱۳۴۵ به بعد بیش از ۸۰۰ هکتار از زمین‌های کشاورزی روستاهای حاجی‌آباد، عباس‌آباد، شریف‌آباد، کمیز، فرجه، کانی کوزله، قرادیان، چهارباغ، قطارچیان و دگیان به محدوده شهری ملحق شده‌اند، ضمن آنکه اراضی کشاورزی روستاهای گریزه، نایسر، دوشان، حسن‌آباد، خانقاه و قشلاق هم مورد هجوم واقع شده و یا تغییر کاربری داده شده‌اند (Poorahmad and Habibi, 2005). به تدریج در دوره‌های بعد و با رشد سریع و عدم توجه به امکانات بالقوه شهر، نارسایی و مشکلاتی در سازمان فضایی کالبدی شهر از قبیل رشد ناهماهنگ و نابجای فضای خدماتی، نبود فضای خدمات دهنده و کمبود فضاهای

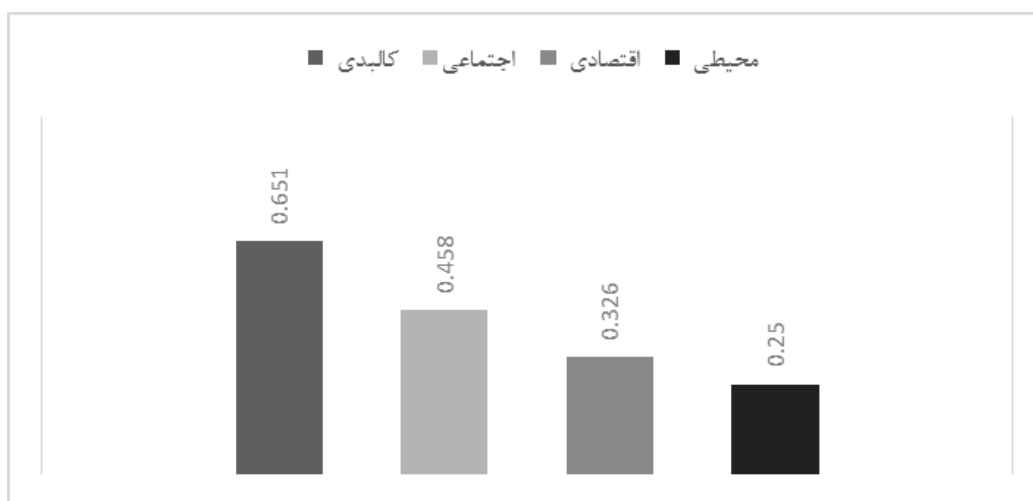
باز، شهری، موجب پدید آمدن فقر شهری و اسکان غیررسمی در فضاهای اطراف شهر شده است (Poorahmad et al., 2010). با شکل‌گیری محله‌های اصلی، به تدریج مهاجران روستایی و اقشار کم درآمد شهر، که از وابستگی بلافصل فئودال‌ها بوده‌اند، در خارج از محدوده محله‌های مرکزی مستقر شده‌اند و سکونتگاه‌های پیرامونی شهر سنج را به وجود آورده‌اند که هم‌اکنون جزئی از بافت قدیم شهر محسوب می‌شوند (Farafa, 1986).



شکل ۴: معرفی محدوده مورد مطالعه
Source: Research Findings, 2020

تحلیل و یافته‌های تحقیق

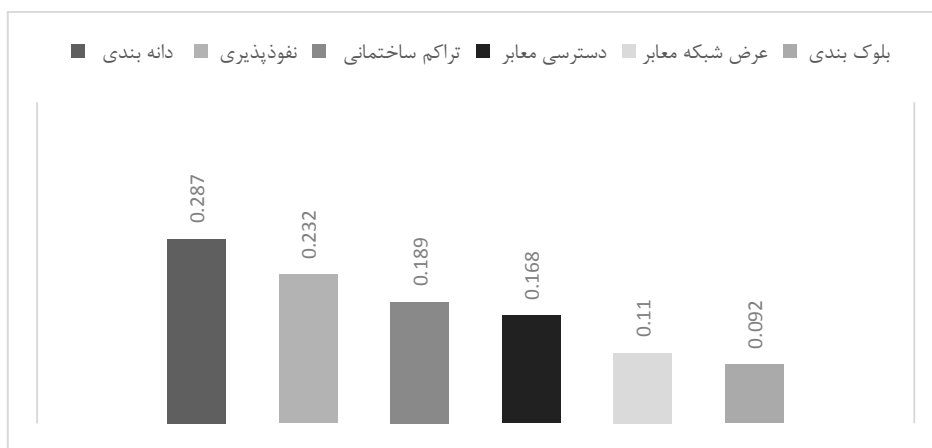
شناسایی محدوده سکونتگاه‌های غیررسمی بر اساس گستره محلات فرودست شهری شناسایی و پهنه‌بندی سکونتگاه‌های غیررسمی بر اساس معیارها و زیر معیار مندرج در جدول ۲، بر اساس روش AHP با به دست آوردن اهمیت نسبی آن‌ها به صورت زیر تبیین شد. ابتدا در مجموع چهار معیار کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی ارزیابی شده و نسبت به یکدیگر با روش ذکر شده دارای امتیاز زیر می‌باشند:



نمودار امتیازدهی معیارهای ۴ گانه سکونتگاه‌های غیررسمی

Source: Research Findings, 2020

مجموع ۱۹ زیر معیار به ترتیب، کالبدی تعداد ۶ زیر معیار، اجتماعی تعداد ۵ زیر معیار، اقتصادی تعداد ۴ زیر معیار و محیطی ۴ زیر معیار مورد استفاده قرار گرفته است.



نمودار امتیازدهی زیر معیارهای کالبدی سکونتگاه‌های غیررسمی

Source: Research Findings, 2020



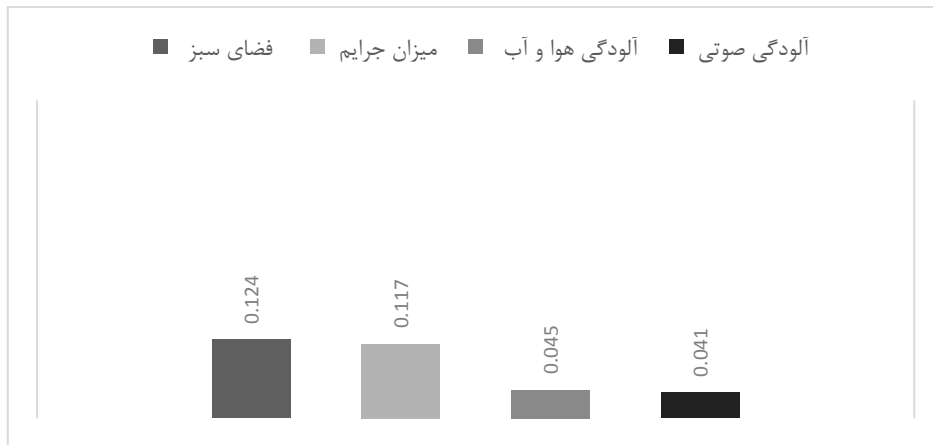
نمودار امتیازدهی زیر معیارهای اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی

Source: Research Findings, 2020



نمودار امتیازدهی زیر معیارهای اقتصادی سکونتگاه‌های غیررسمی

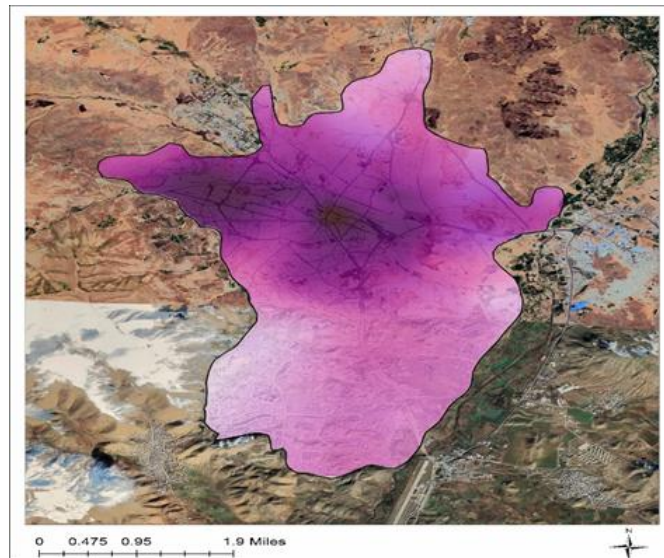
Source: Research Findings, 2020



نمودار امتیازدهی زیر معیارهای محیطی سکونتگاه‌های غیررسمی

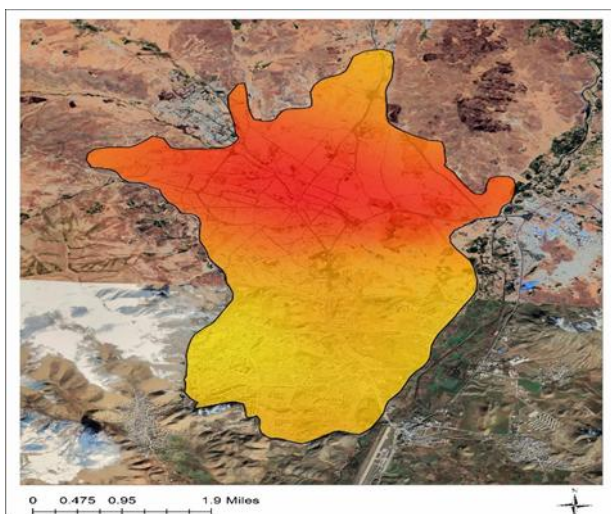
Source: Research Findings, 2020

با توجه به اهمیت نسبی هر یک از زیر معیارهای مربوطه، نقشه‌های رستری هر یک از معیارهای ۴ گانه بصورت زیر تبیین می‌شود که با توجه به همپوشانی لایه‌های هر معیار و ترکیب رنگ تیره فرودستی هر نقشه می‌توان به شناخت این نوع سکونتگاه‌های در شهر پرداخت (Figure 5 to 8) که متعاقباً با توجه به لایه‌های رستری تحلیل شده، با در نظر گرفتن اهمیت نسبی زیر معیاری هر یک و تلفیق نقشه‌های هر چهار معیار مطرح شده، نقشه پهنه‌بندی بر اساس معیارهای پایه سکونتگاه‌های غیررسمی به‌دست‌آمده است. (Figure 10) که می‌توان با توجه به نرخ مهاجرت، این پراکندگی را در سکونتگاه‌های غیررسمی مشاهده نمود که از تراکم بالاتری نسبت به دیگر نواحی شهر سنندج برخوردار است. (Figure 11) بنابراین با مشخص شدن محدوده محلات حاوی سکونتگاه‌های غیررسمی می‌توان با استفاده از نتایج پرسشنامه‌ای برای هر یک از معیارهای چهارگانه و در نظر گرفتن وزن نهایی و ضریب اهمیت زیر معیارها در محدوده تبیین شده، نقشه‌های رستری دقیق‌تر محدوده استخراج و حد این سکونتگاه‌ها مشخص شده است.



شکل ۵: نقشه رستری معیار اقتصادی

Source: Research Findings, 2020



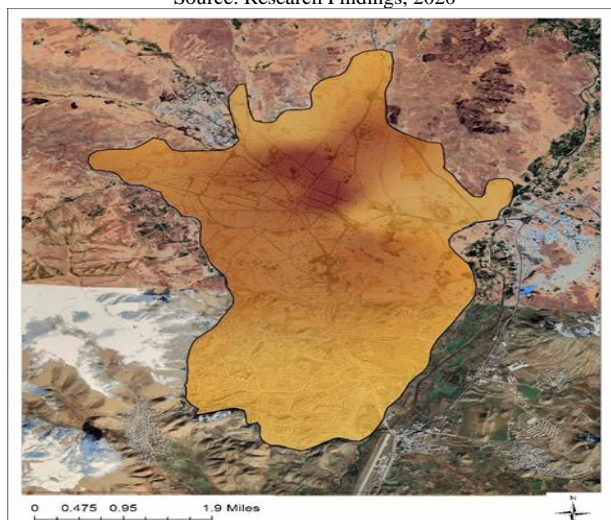
شکل ۶: نقشه رستری معیار اجتماعی

Source: Research Findings, 2020



شکل ۷: نقشه رستری معیار محیطی

Source: Research Findings, 2020



شکل ۸: نقشه رستری معیار کالبدی

Source: Research Findings, 2020

که با توجه به حاصل ضرب وزن نسبی در اهمیت نسبی هر معیار، وزن نهایی هر محدوده در قالب محله به دست می‌آید که جمع نهایی، امتیاز هر محله را نیز شامل می‌شود که می‌توان به توجیه به آن نقشه هم‌پوشانی سکونتگاه‌های غیررسمی را تشخیص داد که تیرگی بیشتر نشانگر شکل یافتگی سکونت‌گاه غیررسمی در آن است. (Figure 10)



شکل ۱۰: نقشه رستری حاصل همپوشانی معیارهای چهارگانه

Source: Research Findings, 2020

تبیین زیر معیار و شاخص مهاجرت در شناسایی محلات فرودست شهری و سکونتگاه‌های غیررسمی

با توجه به آمار سال ۱۳۹۵ جمعیت شهر سنندج، معادل ۵۰۱۴۰۲ بوده که بر اساس این آمار تعداد مهاجرین و درصد در استان برابر با ۴۷۴۰۵ نفر و ۲/۴ بوده که این میزان برای شهر سنندج برابر با ۲۷۹۱۲ نفر و ۵/۵۶ درصد است که تعداد خالص مهاجران در کل ۲۰۹۴- است. این آمار وقتی معنی چالش را در نرخ مهاجرت شهر سنندج بیشتر نمایان می‌نماید که با نرخ مهاجرت استان و نیز کشور مقایسه شود. (Table 3) که در نقشه زیر می‌توان شاخص نسبت مهاجرت در سطح شهر سنندج نشان داده شده است، بدیهی است که میزان تمرکز در هر یک از محلات شهری در موازات کیفیات شکل دهنده این نوع سکونتگاه‌های غیررسمی تبیین می‌شود.

جدول ۳: میزان و درصد مهاجرت در شهر سنندج

شاخص	تعداد	درصد
کشور (نقاط شهری)	۴۳۰۲۰۸۶	۷۷/۷۳
استان	۴۷۴۰۵	۲/۴
شهرستان	۲۷۹۱۲	۵/۵۶
نسبت مهاجرت به کل کشور		۰/۶۴ درصد
نسبت مهاجرت به کل استان		۵۸ درصد

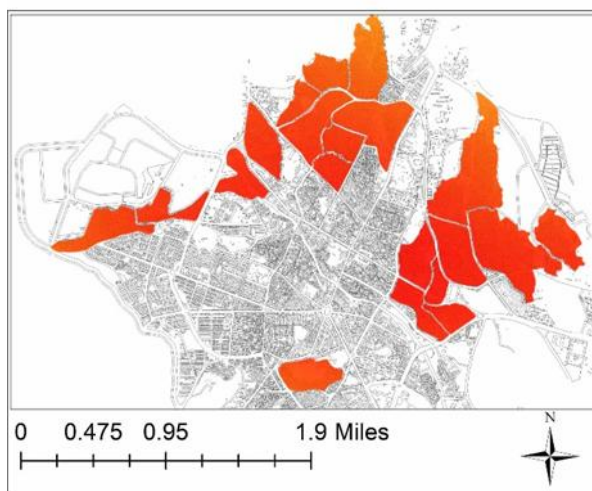
Source: Research Findings, 2020



شکل ۱۱: نقشه رستری میزان مهاجرت از روستا به محدوده شهر سنندج Source: Research Findings, 2020

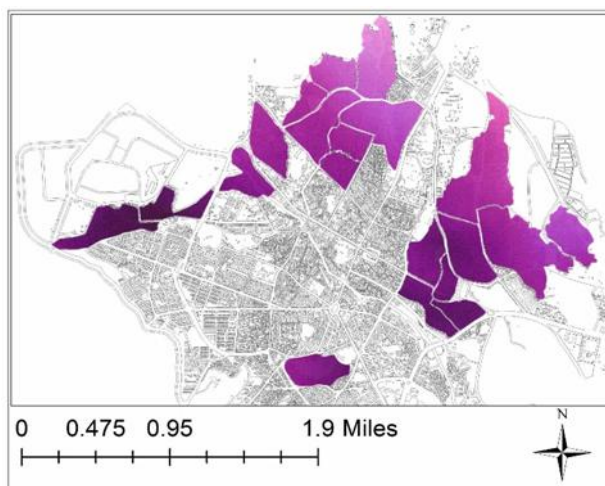
استفاده از مدل کاربردی زیر معیار و شاخص مهاجرت در شناسایی سکونتگاه‌های غیررسمی

در این مرحله با بیان اینکه در مرحله قبلی گستره محلات فرودست با احتساب تحلیل نقشه‌های حاصله از معیارهای چهارگانه و زیر معیارهای هریک شناسایی شده است می‌توان محدوده مذکور را با احتساب حدود مرزی تدقیق نموده و با توجه به نوع ساختاری پژوهش، به روش میدانی مبحث اجتماعی مطرح شده را مورد ارزیابی قرار داد. بنابراین بعد از تدقیق نمودن محدوده، مجموع زیر معیارهای ذکر شده مورد استفاده قرار گرفت که با توجه به نقشه‌های به‌دست‌آمده و وزن و امتیاز نسبی هر یک، تحلیل در قالب نقشه رستری برای محدوده موردنظر به دست آمده است. (Figures 12 to 15) که با توجه به حاصل ضرب هر یک از وزن‌های نسبی در اهمیت نسبی هر معیار و وزن نهایی هر قسمت از بافت به‌صورت محله‌ای به‌دست‌آمده است که از تلفیق این نقشه‌ها، نقشه نهایی این سکونتگاه‌های غیررسمی تبیین شده که رنگ تیره‌تر هر قسمت حد بالای سکونتگاه‌های فرودستی را بیشتر نمایان می‌سازد. (Figure 16)



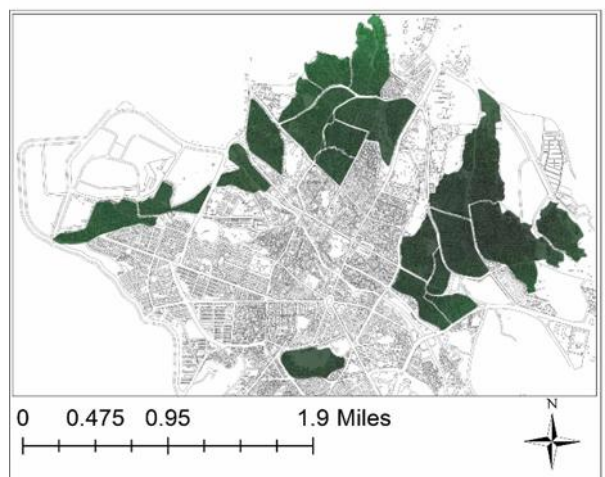
شکل ۱۲: نقشه رستری معیار اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی (محلات)

Source: Research Findings, 2020



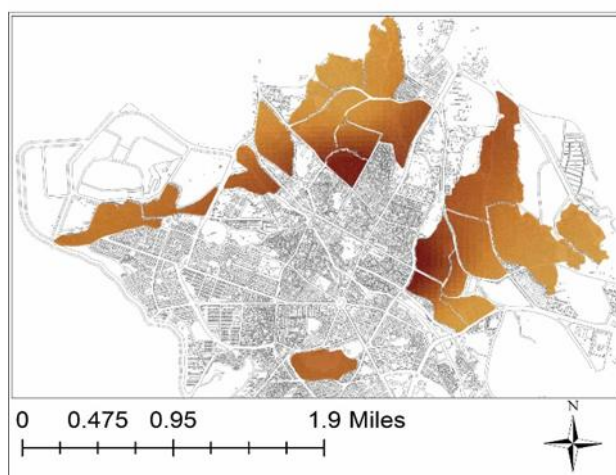
شکل ۱۳: نقشه رستری معیار اقتصادی در سکونتگاه‌های غیررسمی (محلات)

Source: Research Findings, 2020



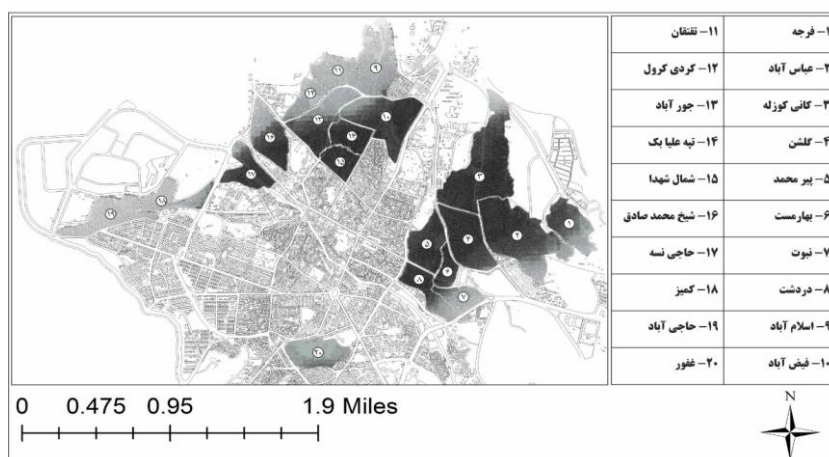
شکل ۱۴: نقشه رستری معیار محیطی در سکونتگاه‌های غیررسمی (محلات)

Source: Research Findings, 2020



شکل ۱۵: نقشه رستری معیار کالبدی در سکونتگاه‌های غیررسمی (محلات)

Source: Research Findings, 2020

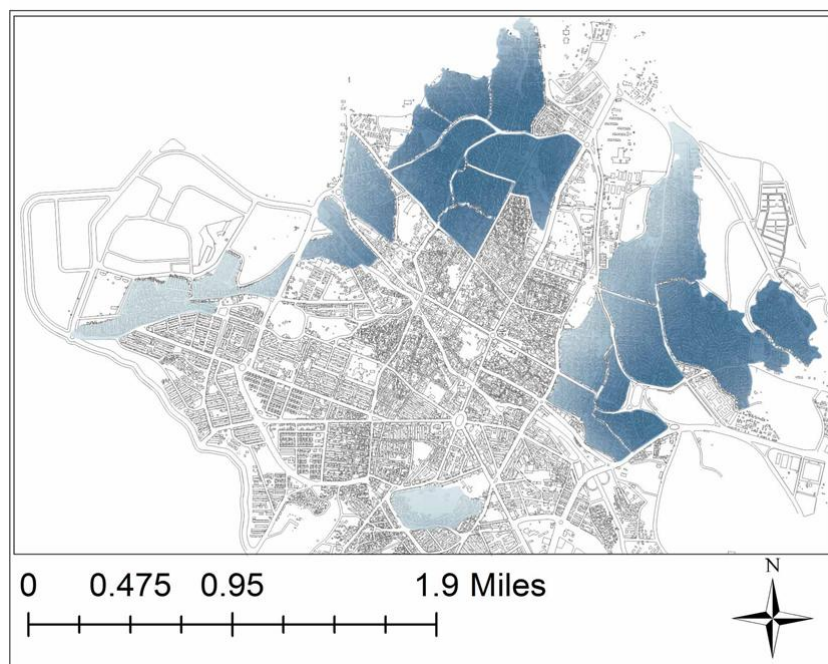


شکل ۱۶: نقشه رستری همپوشانی لایه‌های چهارگانه معیارها و محلات سکونتگاه‌های غیررسمی

Source: Research Findings, 2020

استفاده از شاخص مهاجرت در شناسایی سکونتگاه‌های غیررسمی

با بررسی ساختار کلی شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی می‌توان اذعان نمود که، محلات تپه علیا بک، شمال شهدا و عباس‌آباد که برخی در هسته اصلی گستره شهری قرار داشته که از لحاظ قدمت ابنیه جزو بافت لایه قدیمی شهر سنندج محسوب می‌شوند در مقابل محلات اسلام‌آباد و تختان با سن پایین‌تر بافت شهری نیز در میان محلات فرودست قرار می‌گیرند. در مبحث نوع مهاجرت‌پذیری هر یک از محلات، می‌توان به قیمت پایین اراضی و مسکن اشاره نموده که برای قشر روستاییان اطراف شهر گزینه مناسب بوده است علاوه بر آن نزدیکی به هسته مرکزی و نیز ساختار کاربری پهنه‌های اطراف نیز از مشوق‌های امر مهاجرت است. که می‌توان این نوع پراکندگی را در نقشه زیر مشاهده نموده که هرچه میزان تیرگی بیشتر باشد تمرکز مهاجرین در آن قسمت عمیق‌تر بوده است. (Figure 17)



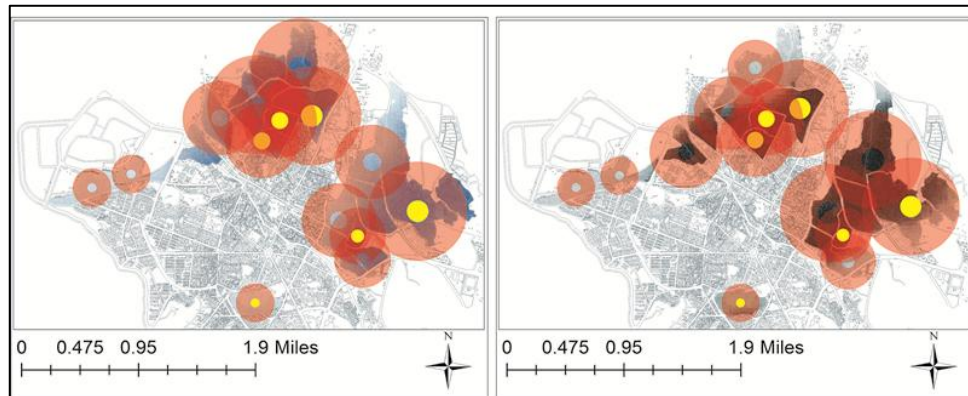
شکل ۱۷: نقشه رستری میزان مهاجرت از روستا به شهر سنندج

Source: Research Findings, 2020

همبستگی شاخص و زیر معیار مهاجرت و برآیند مجموع معیارهای سکونتگاه‌های غیررسمی

بافت‌های فرودست شهری عموماً بستر شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی است که علاوه بر رشد بی‌رویه با استقبال قشر آسیب‌پذیر جامعه همراه با پدیده مهاجرت با داشتن حداقل توان در موضوع مسکن و ارزش اراضی همراه است به طوری که تصرف این اراضی و مبادرت به ساخت ابنیه بی‌کیفیت و عموماً غیر قانونی باعث ایجاد و رشد آسیب‌های اجتماعی و شکل‌گیری ناهنجاری‌های فرهنگی می‌شود. به همین جهت علاوه بر مصادیق کالبدی که در معیار کالبدی به‌عنوان نوعی آسیب یاد می‌گردد می‌توان از معیار اجتماعی نیز به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر یاد نمود. در زوج معیار اجتماعی - اقتصادی که شاخص مهاجرت مطرح می‌شود می‌توان به نرخ جمعیت مهاجرین در بافت به‌عنوان عاملی با ارتباط مستقیم با سکونتگاه‌های غیررسمی نام برد.

به‌طور کلی جهت شناسایی گستره محلات فرودست شهری از زیر معیارهای ۱۹ گانه چهار معیار اصلی بهره برده شده که در ساختار سیستماتیک این نوع بافت‌ها بررسی شده است. حال می‌توان با بهره‌گیری از زیر معیار مهاجرت به نتایج مشابه در امر شناسایی گام برداشت به طوری که در نقشه زیر قابل مشاهده است، پهنه محلات مذکور با پهنه محلات مهاجرپذیر سنندج انطباق داشته که از میان ۲۰ محله فرودست شهر سنندج، این همبستگی برای محلات تپه علیابک و شمال شهدا ۶۴ درصد، برای محله فیض‌آباد، حدوداً ۵۲ درصد، برای محله غفور حدوداً ۷۵ درصد است در حالی که این انطباق‌پذیری برای محلات کانی کوزله و پیرمحمد حدوداً ۱۶ درصد است که نشان دهنده سطح پایین انطباق‌پذیری است. (Figure 18)



شکل ۱۸: نقشه میزان انطباق‌پذیری گستره فقر شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی بر اساس شاخص مهاجرت و سکونتگاه غیررسمی

Source: Research Findings, 2020

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

با توجه به مفاهیم مطرح شده و نیز بررسی ماهیت و شاخص مندی بافت‌های فرودست شهری که عموماً در حاشیه شهر در حال رشد هستند می‌توان علل شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی را در عوامل متعدد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی جستجو نمود که عموماً هر یک تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی را بر کیفیت این بافت‌ها دارند. در تبیین مدل ذکر شده در پژوهش، گستره این نوع سکونتگاه‌ها با زیر معیار مهاجرت در موازات تأثیر مستقیم بحث شد که نتایج حاکی از انطباق‌پذیری کارکردی این نوع مدل در شناسایی سکونتگاه‌های غیررسمی است. به طوری که با افزایش میزان تورم و نیز نرخ بیکاری از یک طرف و نیز کاهش سطح درآمد خانوار و نیز سقوط اقتصادی آن،

عموماً قشرهای آسیب‌پذیر گزینه مهاجرت را به‌عنوان بهترین انتخاب برای تغییر زندگی خود می‌دانند. بنابراین در فعل مهاجرت به شهرهای بزرگ‌تر در جهت ایجاد و یافتن فرصت‌های شغلی بهتر، سکونتگاه‌های غیررسمی را به دلیل ارزش پایین اراضی و قیمت مسکن انتخاب نموده و در این نوع بافت‌های حاشیه‌ای ساکن می‌شوند که در زمان متمادی نهادهای غیررسمی اجتماعی شکل پیدا کرده و بافت هویت غیرمتناسب با کل شهر به خود می‌گیرد.

در مدل کاربردی از میان ۴ معیار، شاخص مهاجرت به‌عنوان عامل انطباق با کل معیارها موردبررسی واقع شد که نتیجتاً انطباق‌پذیری در محلات نمونه از میان ۲۰ سکونت‌گاه غیررسمی تبیین و نیز در سه محله تپه علیابک و شمال شهدا با میزان ۶۴ درصد، محله فیض‌آباد، حدوداً ۵۲ درصد و محله غفور حدوداً ۷۵ درصد اثبات‌گر شناسایی این نوع سکونتگاه‌های شهر است. بدین ترتیب زیر معیار و شاخص مهاجرت باهدف شناسایی محلات فرودت و بستر شکل دهنده به سکونتگاه‌های غیررسمی با بطن گستره فقر شهری همبستگی بالایی داشته و علل اقتصادی و اجتماعی مبدأ مهاجرت و بستر مناسب مقصد می‌تواند دلیل اصلی این پدیده باشد. در یک نگاه کلان می‌توان، پدیده مهاجرت را به‌عنوان یک بیماری در مبدأ بررسی نمود که عموماً با مناسب‌سازی زیرساخت‌های اقتصادی می‌توان این میزان مهاجر را کاهش داد. بنابراین در جهت پایداری شهرهای کشور و خصوصاً مداخلات شهری، بهتر است قبل از هرگونه مداخله در این‌گونه بافت‌های شهری که معمولاً با گزینه بازآفرینی شهری مواجه است، مدیران و مسئولان کشور در سطح کلان به محور اقتصادی و اجتماعی مهاجرت پرداخته تا بتوان با درمان انگیزه‌های مهاجرت بخصوص در قشر جوان، سکونتگاه‌های باارزش روستایی و شهری مبدأ که غالباً از هسته‌های با اصالت سکونتی نیز محسوب می‌شوند، باعث ثبات و پایداری سکونت انسانی گردید.

References

- Barrent, C. 2011. "Geography and ethics: Justice. Progress in human geography.
- Brinley, Thomas, 1966, migration: Economic aspect sill international Encyclopedia of social since. Vol.10, Newyork: the free press.
- Clark, John. 2015. Principles and foundations of population geography, translated by: Massoud Mahdavi. Tehran: Qoms.
- Cowan, Rob. 2000. Placechecks: a users' guide. London: Urban Design Alliance.
- Divyani, Kohli. 2011. "An ontology of slum fot image- based classification. Computers, Environment and Urban Systems 36 (2): 154-163.
- Ebrahimzadeh, Issa and Mohammad Neghaban Marvi. 2004. An Analysis of Urbanization and the Status of New Cities in Iran. Geographical Research Quarterly.
- Glesson, B. 2006. Australia Heartland: Making. Sydney: Allen & Unwin.
- Goat, God be merciful and infallible. 2011. "Assessing the compactness and distribution of urban growth and its effect on increasing household economic costs in Bojnourd." Geography and Planning 1-18.
- Habibi, Kiomars and Ahmadpour Ahmad. 2005. Physical development of Sanandaj city using GIS. Sanandaj: Kurdistan University Press.
- Habibi, Seid Mohsen. 2008. The flux of the city. Tehran: Tehran University Press.
- Habitat, Un. 2015. "Habitat (III) Issue paper: Urban Resilience.
- Hesamian, Farokh. 2009. Urbanization in Iran. Tehran: Agah Publishers.
- Hosseini, Mohammad Reza, (2005), A Study of Factors Affecting Marginalization in Ahvaz, Department of Sociology, University of Isfahan.
- Irandoost, Kiomars. 2009. Informal settlements and the myth of marginalization. Tehran: Tehran Urban Planning Processing Company.

- Irandoost, Kiomars. 2010. "A Review of the Short Experience of Empowering Informal Settlements, Example of Kermanshah." *Journal of Geography and Development* (20): 59-78.
- Jennervik, A. 2006. Improving slum conditions through innovative financing, in, TS-27 upgrading informal settlement: Access to human rights and finance. Munich, Germany.
- Kazemian, Gholamreza, Vajhollah GhorbaniZade, and Saied Shafian. 2012. "Local community capacity to achieve sustainable development through informal neighborhood residents and economic activists (Case Study: New Shamiran neighborhood), *Journal of Urban Studies*.
- Khazaie, Zahra, and Parvaneh Ziviar. 2012. "Review and evaluate the socio-economic and physical informal settlements (Case Study Metropolis Sayyahi dormitory in Ahwaz). *Land Geographical cultural Isfahan*.
- Massey, Douglas, Joaquin Arango, Graeme Hugo, and J. Edward Taylor. 1993. "Theories of International Migration: A Review and Appraisal. *Population and Development Review*.
- Mincer, Jacob. 1978. "Family Migration Decisions. *Journal of Political Economy* 86 (5): 749-73.
- MojtahedZade, GholamHossien. 2003. *Urban planning in Iran*. Tehran: Payam Noor University.
- Nazari, Ali Asghar, (1994), *Geography of Iran*, Noor Publications.
- Parsa Pajoo, Sepideh. 2002. "Practical Research: A Guide for Transformers." *Anthropology Letter* 1: 191-194.
- Piran, Parviz. 1988. "Rapid and heterogeneous urbanization (parts one to nine): sheds in Tehran." *Political-Economic Information* 15-23.
- Piran, Parviz. 1994. "Shed living in Iran Theoretical perspectives with a look at the situation in Iran." *Political-Economic Journal* 87-88.
- Piran, Parviz. 2002. "Again a case study on informal settlements Zahedan Shirabad. *Journal of Haft Shahre* 9-10.
- Poor Ahmad, Ahmad, Mehdi Hesam, Haditha Ashour and Saber Mohammadpour. 2010. "An Analysis of the Physical Spatial Expansion Pattern of Gorgan City Using Shannon and Holdern Entropy Models". *Urban Research and Planning* 1 (3): 1-18.
- Porkheradmand, Reza, Narges Gillani, Hassan Chizari, and Peyman Laelabadi. 2009. *Cities in the globalization process*. Tehran Municipality: Planning Studies Centre.
- Potter, Robert and Evans Sally Lloyd. 2005. *A City in a Developing World*, translated by Kiomars Irandoost et al. Tehran: Publications of the Organization of Municipalities and Rural Affairs.
- Rabbani, Rasoul, Samad Kalantari and Nafiseh Yavari. 2004. "The phenomenon of marginalization and its social and cultural consequences (Arzanan and Dark Isfahan)." *Scientific Journal of Humanities, University of Isfahan* 119-154.
- Rahnama, Mohamad Rahim, and Maesome Tavangar. 2008. "a comparative study of marginalization in the cities of Sabzevar. Neyshabur and Gonabad and Torbat Heydariyeh (11).
- Sarrafi, Mozaffar, (2002), *Towards a Theory for Organizing Informal Housing from Marginalization to the Text of Urbanization*, Haftshahr Quarterly, Third Year, No. 8, Urban Development and Improvement Organization
- Swain, Li, and Steven Garasky. 2007. "Migration Decisions of Dual-earner Families: An Application of Multilevel Modeling. *Journal of Family and Economic* 28 (1): 151-170.
- UN-HABITAT. 2003. *The Challenge of Slums, Global Report of Human Settlement*. UN-HABITAT.
- UN-HABITAT. 2006. *SUF Handbook Design Phase: Volume 1: An Approach to Financial Action Planning for Slum Upgrading and New Low-Income Residential Neighbourhoods*. Nairobi. UN-HABITAT, Slum Upgrading Facility.
- Zangiabadi, Ali, Zarabi, Asghar, Khoob Ind, Saeed, (2005), *Analysis of the social causes of marginalization in Isfahan*, *Journal of Humanities*, Volume 18, Number 1, University of Isfahan.
- Zanjani, Habibullah 2001. *Immigration*. Tehran: Organization for the Study and Compilation of Humanities Books, University of Tehran.